

# امَلَّتْ اِسْلَامِيْ افغانِسْتانَ



وزارت ارشاد، حج و اوقاف  
ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد  
موضوع خطابت روز جمعه و تقریر و بیان  
تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات  
به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۷/ ربیع الاول/ ۱۴۴۸ هـ، ق مطابق: ۳۰ / ۱ / ۱۴۰۵ هـ، ش

## جایگاه و مقام معیوبین، معذورین و ضعفاء در اسلام، و کمک و همکاری با آنان در زندگی روزمره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه كما يحب ربنا ويرضى، والصلاة والسلام على الحبيب المصطفى محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

وبعد : قال الله سبحانه وتعالى: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ). (۱)

حضار محترم!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

امروز موضوع بحث ما درباره آن مردمی است که در سفر زندگی، به سبب کدام نقص جسمی، بیماری، ناتوانی، پیری، نابینایی، معلولیت یا عذر دیگری، به کمک و همکاری مردم دیگر نیاز دارند.

الله جل جلاله بر مردم سالم از نظر جسمی نعمت سلامتی را عطا کرده است و معیوبین، معذورین و ناتوانان را به سبب نبودن اعضای بدن و یا فلج بودن آن‌ها مورد آزمایش قرار داده است و اگر آنان بر معلولیت و معذوریت خود صبر کنند، پس الله تعالی برای آنان اجرهای بزرگی مقرر کرده است. در دین مبارک اسلام، فضیلت و برتری انسان به بدن، قوت، ثروت و زیبایی ظاهری او وابسته نیست، بلکه در اسلام برتری به تقوا وابسته است. از همین سبب اسلام برای معیوبین عزت، حقوق و مقام ویژه‌ای قرار داده و جامعه را مکلف به احترام، سرپرستی و کمک به آنان کرده است.

الله جل جلاله می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ). ۲

ترجمه: ای مردم! ما شما را از مرد وزن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبایله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ بی گمان گرامی‌ترین شما نزد الله با تقوا ترین شماست.

۱ - الحجرات: (۱۳)

۲ - الحجرات: (۱۳)

این آیه آشکار می‌سازد که انسان معیوب و سالم، ثروتمند و فقیر، همه به نزد الله تعالی برابر هستند؛ تنها تقوا معیار فضیلت است. پیش از اسلام، با معیوبین و معذورین ظلم سختی می‌شد و با آنان رفتار غیرانسانی صورت می‌گرفت. در برخی جوامع، مردم از معیوبین و معذورین کراهت و نفرت داشتند و حتی در برخی جوامع، مردم معیوبین و معذورین را به عبادتگاه‌ها اجازه ورود نمی‌دادند. در فلسفه یونان، افلاطون می‌گفت که معیوبین و معذورین دولت را ضعیف می‌کنند و این مردم باید از جامعه دور ساخته شوند. در جامعه روم، با معیوبین و معذورین با دیده بسیار تحقیر آمیزنگریسته می‌شد و آنان می‌گفتند که معیوبین و معذورین افراد سربار جامعه هستند، و آنان را با حيله‌ها و راه‌های گوناگون از بین می‌بردند. اما هنگامی که دین مقدس اسلام طلوع کرد، به معلولین، معذورین و ناتوانان مقام بلند داد و بدون هیچ‌گونه تبعیضی برای آنان احترام قائل شد و مرتبه بزرگی برایشان قرار داد. و دین مقدس اسلام این اصل را تعیین کرد که همه انسان‌ها مانند دندان‌های شانه هستند و نزد الله تعالی آن شخص عزتمندتر است که تقوای بیشتری داشته باشد. (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)<sup>۳</sup>. ترجمه: گرامی ترین شما نزد الله با تقوا ترین شماست. و نبی علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ)<sup>۴</sup>. ترجمه: بدون شک الله تعالی به صورت‌های شما و به مال‌های شما نگاه نمی‌کند، بلکه به دل‌های شما و اعمال شما نگاه می‌کند. در دین مبارک اسلام، مقام و مرتبه معیوبین، معذورین و ناتوانان چنان بزرگ است که وقتی در قیامت افراد سالم این مرتبه و مقام آنان را ببینند، افراد سالم آرزو خواهند کرد که ای کاش من نیز معیوب و معذور می‌بودم، تا این نوازش و مرتبه نصیب من می‌شد. در یک روایت آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (أَهْلُ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا يُوَدُّونَ لَوْ أَنَّ لِحُومَهُمْ قُرْصَتَ بِالْمَقَارِيضِ فِي الدُّنْيَا)<sup>۵</sup>.

ترجمه: اهل عافیت در دنیا آرزو خواهند کرد که ای کاش گوشت‌های آنان در دنیا با قیچی‌ها بریده می‌شد (تا در آخرت مراتب بلند نصیب آنان می‌شد).

در اسلام، برای معیوبین، معذورین و بیماران همین مرتبه کافی است که در اجر با مجاهدین شریک هستند، هرچند در جهاد عملاً شرکت نکرده باشند، به این شرط که در نیت‌هایشان اخلاص موجود باشد. الله جل جلاله فرموده است: (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا)<sup>۶</sup>.

ترجمه: مؤمنان خانه نشین غیر معذور (و نشسته از جهاد) با مجاهدانی که در راه الله با مال و جان خود می‌جنگند برابر نیستند بلکه الله آنانی را که با مال و جانهای خود جهاد میکنند درجه بر نشسته گان از جهاد فضیلت داده است والله همه ایشان را وعده نیک داده است ولیکن الله مجاهدان را بر نشسته گان به ثواب بس بزرگ برتری داده است.

در حدیث شریف آمده است. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجَعَ مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ فَدَنَا مِنَ الْمَدِينَةِ، فَقَالَ: «إِنَّ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامًا، مَا سِرْتُمْ مَسِيرًا، وَلَا قَطَعْتُمْ وَاْدِيًا إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهُمْ بِالْمَدِينَةِ؟ قَالَ: «وَهُمْ بِالْمَدِينَةِ، حَبَسَهُمُ الْعُذْرُ»<sup>۷</sup>.

<sup>۳</sup> - الحجرات: (۱۳)

<sup>۴</sup> - صحیح مسلم (۱۱/۸)

<sup>۵</sup> - التوضیح لشرح الجامع الصحیح (۲۷/۲۸۴)

<sup>۶</sup> - النساء: (۹۵)

<sup>۷</sup> - صحیح البخاری (۸/۶)

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضي الله عنه روایت است، او می گوید که بدون شک هنگامی که رسول الله صلى الله عليه وسلم از غزوه تبوک بازگشت و به مدینه منوره نزدیک شد، چنین فرمود: بدون شک در مدینه منوره برخی مردم هستند که شما هیچ راهی را نپیموده اید و هیچ دره ای را نگذشته اید، مگر این که آنان در اجر با شما شریک هستند. صحابه کرام گفتند: یا رسول الله! آیا آنان در اجر با ما شریک هستند، در حالی که آنان در مدینه منوره بودند؟ نبی علیه السلام فرمود: بلی! آنان در مدینه منوره بودند، اما عذر آنان را از رفتن به جهاد بازداشته بود.

یعنی برخی در چشم ها نابینا بودند، برخی در پاها شل و معذور بودند و برخی بیمار بودند و آرزوی زیادی برای رفتن به جهاد را داشتند. هرگاه الله تعالی درباره مرتبه و مقام معیوبین، معذورین و ناتوانان آیات ویژه ای نازل کرد و به مسلمانان نشان داد که الله تعالی می خواهد به مقام و حیثیت این مردم توجه ویژه ای شود.

الله جل جلاله درباره حضرت عبدالله بن أم مکتوم رضي الله عنه، که صحابی معذور از ناحیه چشم بود، در آن هنگام آیاتی نازل کرد که او به مجلس رسول الله صلى الله عليه وسلم رفت و از رسول الله صلى الله عليه وسلم درباره علم پرسش کرد؛ در حالی که رسول الله صلى الله عليه وسلم با بعضی از افراد قریش نشسته بود و با آنان به این امید صحبت می کرد که شاید ایمان بیاورند.

رسول الله صلى الله عليه وسلم سخنان خود را قطع نکرد و به حضرت عبدالله بن أم مکتوم رضي الله عنه پاسخ نداد؛ پس الله تعالی به حبیب خود صلى الله عليه وسلم چنین فرمود: (عَبَسَ وَتَوَلَّى \* أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى \* وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهَ يَزْكَى \* أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى)<sup>۸</sup>.

ترجمه: روی ترش کرد و اعراض نمود؛ به اینکه نزد او نابینا آمد؛ و تو چه دانی که او شاید در پی پاکی باشد؛ یا پند گیرد پس آن پند به او سود رساند.

در آیه فوق فضیلت و مرتبه معیوبین و معذورین ذکر شده است.

پس از نزول این آیات، رسول الله صلى الله عليه وسلم عبدالله بن أم مکتوم را به گونه ویژه اکرام و احترام می کرد و چنین می فرمود: (مرحبا بمن عاتبني فيه ربي). خوش آمد آن کسی که به خاطر او الله تعالی مرا ملامت کرد. و آن شخصیت نابینا را رسول الله صلى الله عليه وسلم دو بار در مدینه منوره سرپرست تعیین کرد و او به مردم نماز جماعت می داد)<sup>۹</sup>.

پس رسول الله صلى الله عليه وسلم همواره به معلولان، معذوران و ناتوانان توجه ویژه می کرد و برای آنان قدر و ارزش قائل می شد. رسول الله صلى الله عليه وسلم در بسیار موارد، مرتبه و فضیلت معیوبین و معذورین را قولاً و عملاً بیان کرده است.

حضرت عمرو بن الجموح رضي الله عنه که از یک پای خود شدیداً لنگ بود، و نبی علیه السلام به او فرمود که تو معذور هستی و به جهاد نرو؛ اما او بسیار اصرار می کرد و در غزوه أحد شرکت کرد و در غزوه أحد شهید شد. درباره او نبی علیه السلام به قبیله بنی سلمه فرمود: «بَلْ سَيِّدُكُمْ الْأَبْيَضُ الْجَعْدُ عَمْرُو بْنُ الْجَمُوحِ»<sup>۱۰</sup>.

ترجمه: بلکه بزرگ شما، سفید (سخی) و دارای موهای مجعد، عمرو بن الجموح است.

در روایت دیگری آمده است. عَنْ أَبِي قَتَادَةَ أَنَّهُ حَضَرَ ذَلِكَ قَالَ أَتَى عَمْرُو بْنُ الْجَمُوحِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِنْ قَاتَلْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَقْتَلَ أَمْشِي بِرَجُلِي هَذِهِ صَحِيحَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَكَانَتْ رِجْلُهُ عَرْجَاءَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَمْ فَقَاتِلُوا يَوْمَ أُحُدٍ هُوَ وَابْنُ أَخِيهِ وَمَوْلَى لَهُمْ فَمَرَّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكَ تَمْشِي بِرَجْلِكَ هَذِهِ صَحِيحَةٌ فِي الْجَنَّةِ»<sup>۱۱</sup>.

<sup>۸</sup> - عبس: (۴-۱)

<sup>۹</sup> - روح المعاني (۳۰/۳۹)

<sup>۱۰</sup> - حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء (۷/۳۱۷)

<sup>۱۱</sup> - مسند أحمد (۳۷/۲۴۷)، معرفة الصحابة لأبي نعیم (۴/۱۹۸۴)

ترجمه: از حضرت ابو قتاده رضي الله عنه روایت است، بدون شک او در آن هنگام حاضر بود. حضرت قتاده رضي الله عنه می گوید که عمرو بن الجموح رضي الله عنه نزد نبی علیه السلام آمد و چنین عرض کرد: ای رسول الله! مرا خبر بده که اگر من در راه الله جنگ کنم تا این که کشته شوم، آیا در بهشت با همین پای خود در حالی که سالم باشد راه خواهم رفت؟ و پای او لنگ بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بله! سپس آنان در روز غزوه احد شهید شدند؛ او و برادرزاده اش و غلامی از آنان. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم از کنار حضرت عمرو بن الجموح رضي الله عنه گذشت، در حالی که او شهید شده بود، و به او فرمود: گویی من تو را می بینم که در بهشت با همین پای خود در حالی که سالم است راه می روی.

الله جل جلاله می فرماید که من برای آن معیوب و معذوری که بر معیوبیت و معذورت خود صبر کند، به جز بهشت به اجر دیگری راضی نمی شوم. در حدیث شریف آمده است. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ « مَنْ أَذْهَبَتْ حَبِيبَتِيهِ فَصَبَرَ وَاحْتَسَبَ لَمْ أَرْضَ لَهُ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ »<sup>۱۲</sup>.

ترجمه: حضرت ابو هريره رضي الله عنه در حدیث مرفوع می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید که الله تعالی فرموده است: از کسی که دو محبوب او (دو چشمش) را بگیرم و سپس صبر کند و امید اجر داشته باشد، برای او به غیر از بهشت به پاداش دیگری راضی نخواهم شد.

در یک حدیث قدسی شریف دیگر آمده است که الله تعالی فرموده است: از کسی که بینایی هر دو چشمش را بگیرم، عوض آن بهشت است.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ قَالَ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتَيْهِ فَصَبَرَ، عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ<sup>(۱۳)</sup>.

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضي الله عنه روایت است، او می گوید که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: الله تعالی می فرماید: هنگامی که بنده خود را با دو محبوب او (دو چشمش) آزمایش کنم و او صبر کند، در بدل آن دو، بهشت را به او عطا خواهم کرد. این حدیث برای مؤمن معیوب، مژده بزرگی است.

فضیلت آن زنی که بیهوش می شد و نبی علیه السلام به او فرمود: اگر صبر کنی، برای تو بهشت است. عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ، قَالَ: قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ: أَلَا أُرِيكَ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: هَذِهِ الْمَرْأَةُ السَّوْدَاءُ، أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَتْ: إِنِّي أَضْرَعُ وَإِنِّي أَتَكَشَّفُ، فَادْعُ اللَّهَ لِي، قَالَ: «إِنْ شِئْتَ صَبَرْتِ وَلَكَ الْجَنَّةُ، وَإِنْ شِئْتَ دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُعَافِيكَ» قَالَتْ: أَصْبِرُ، قَالَتْ: فَإِنِّي أَتَكَشَّفُ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ لَا أَتَكَشَّفَ فَدَعَا لَهَا. وَفِي رِوَايَةِ الْبَخَارِيِّ: عَنْ عَطَاءٍ: «أَنَّهُ رَأَى أُمَّ زُفَرٍ تِلْكَ امْرَأَةً طَوِيلَةً سَوْدَاءَ، عَلَى سِتْرِ الْكَعْبَةِ»<sup>(۱۴)</sup>.

ترجمه: از عطاء بن ابی رباح رحمه الله روایت است، او می گوید که عبدالله بن عباس به من گفت: آیا زن بهشتی را به تو نشان ندهم؟ به او گفتم: چرا، نشانم بده. به من گفت: این زن سیاه پوست نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و به نبی علیه السلام عرض کرد: من بیهوش می شوم و بدنم آشکار می شود؛ یعنی لباس هایم از بدنم بالا می رود و در برابر مردم آشکار می شوم. برای من از الله تعالی دعا کن (که مرا شفا دهد).

<sup>۱۲</sup> - سنن الترمذی ت شاكر (۶۰۳/۴)

<sup>۱۳</sup> - صحيح البخاري (۱۱۶/۷)

<sup>۱۴</sup> - صحيح مسلم (۱۹۹۴/۴)، صحيح البخاري (۱۱۶/۷)

نبی علیه السلام به او فرمود: اگر می خواهی صبر کنی، برای تو بهشت است، و اگر می خواهی، من از الله تعالی دعا می کنم که به تو عافیت بدهد و تو بهبود یابی. آن زن گفت: من صبر می کنم (بر بیماری خود تا بهشت نصیبم شود). سپس گفت: من بی پرده می شوم (هنگام بیهوشی)، از الله تعالی برای من دعا کن که هنگام بیهوشی بی پرده نشوم. پس نبی علیه السلام برای او از الله تعالی دعا کرد.

در روایت بخاری آمده است که از حضرت عطاء بن ابی رباح رحمه الله روایت است که حضرت عطاء بن ابی رباح همان زن، اُم زُفَر رضي الله عنها، را دید که در کنار پرده های کعبه شریفه، زنی سیاه و بلندقد بود.

در اسلام، برای آن معیوبین و معذورینی که در راه الله تعالی اعضای شریفین بدن خود را، مانند چشم ها، دست ها، پاها، بینی، گوش ها و حواس گوش های خود را از دست داده اند، مقام ویژه ای وجود دارد. در یک روایت آمده است.

عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: «لَمَّا أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَتْلَ جَعْفَرٍ دَاخِلَهُ مِنْ ذَلِكَ، فَأَتَاهُ جَبْرِيلُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لَجَعْفَرٍ جَنَاحَيْنِ مُضْرَجَيْنِ بِالدِّمِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ» (۱۵).

ترجمه: از حضرت براء بن عازب رضي الله عنه روایت است، او می گوید: هنگامی که خبر شهادت حضرت جعفر بن ابی طالب به رسول الله صلى الله عليه وسلم رسید، این خبر رسول الله صلى الله عليه وسلم را بسیار غمگین و متأثر ساخت. سپس جبرائیل علیه السلام نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم آمد و به او گفت: بدون شک الله جل جلاله برای حضرت جعفر رضي الله عنه دو بال قرار داده است که به خون آغشته اند و او با آن دو بال همراه فرشتگان پرواز می کند.

پیش از آن که هر دو دست و پاهاى حضرت جعفر بن ابی طالب رضي الله عنه در غزوه مؤته قطع شود، الله تعالی به رسول الله صلى الله عليه وسلم نشان داد که جعفر رضي الله عنه دو بال دارد و با فرشتگان در بهشت می گردد، پس در زمان زندگی به او لقب (طیار) داده شد (۱۶).

در روایت دیگری آمده است. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُرِيْتُ جَعْفَرًا مُلَكًا يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ فِي الْجَنَّةِ» (۱۷).

ترجمه: از ابوهریره رضي الله عنه روایت است، او می گوید که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: به من نشان داده شد (در خواب یا در شب معراج، پیش از آن که دست ها و پاهاى حضرت جعفر رضي الله عنه در غزوه مؤته قطع شود) حضرت جعفر رضي الله عنه به شکل فرشته ای با دو بال خود در بهشت پرواز می کرد.

در روایت دیگری آمده است. (أَنَّ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، كَانَ إِذَا سَلَّمَ عَلَى ابْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ ذِي الْجَنَاحَيْنِ» (۱۸).

ترجمه: بدون شک عبدالله بن عمر رضي الله عنهما هرگاه بر عبدالله بن جعفر رضي الله عنه سلام می کرد، چنین سلام می کرد: سلام بر تو ای پسر صاحب دو بال! رسول الله صلى الله عليه وسلم به دیدار مردم معیوب و معذور می رفت که این بر فضیلت آنان دلالت می کند.

<sup>۱۵</sup> - المستدرک على الصحيحين للحاكم. قال الحاكم: هَذَا حَدِيثٌ لَهُ طَرُقٌ، عَنْ الْبَرَاءِ. (۴۲/۳)

<sup>۱۶</sup> - مرقاة المفاتیح (۸/۱۸)

<sup>۱۷</sup> - صحيح ابن حبان - محققا (۵۲۱/۱۵)

<sup>۱۸</sup> - صحيح البخاري (۲۰/۵)

در روایتی آمده است. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ، عَنْ أَبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اَنْطَلِقُوا بِنَا إِلَى بَنِي وَاقِفٍ، نَزُورُ الْبَصِيرَ - رَجُلٌ كَانَ مَكْفُوفَ الْبَصَرِ» (۱۹).

ترجمه: محمد از پدر خود حضرت جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت می کند، او می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ما را به سوی قبیله بنی واقف ببرید تا به دیدار آن شخص بینا (بینا در دل) برویم؛ او مردی بود که از چشم نابینا بود.

با وجود این که آن مرد از هر دو چشم نابینا بود، نبی علیه السلام او را با نامی نیکو یاد کرد (۲۰).

در روایات آمده است که حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گمان می کرد که به سبب کمک های بیشتر به مسلمانان و شجاعت بیشتر در جهاد، مرتبه او از آن صحابه کرام که ضعیف بودند، بالاتر خواهد بود؛ پس نبی علیه السلام فرمود: (هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضَعْفَائِكُمْ) (۲۱).

ترجمه: در جهاد با شما یاری نمی شود و به شما روزی داده نمی شود، مگر به برکت ضعیفان شما.

زیرا آنان با اخلاص و خشوع بسیار برای شما دعا می کنند و چون دعای آنان از ریاکاری و اغراض دنیوی پاک است، الله تعالی به برکت دعای آنان شما را در جهاد یاری می کند و به شما روزی می دهد. (۲۲)

در این حدیث، ذکر مقام و مرتبه ضعیفان، معیوبین و معذورین به صورت واضح وجود دارد.

### کمک و همکاری با افراد معلول، معذور و ضعیف در زندگی روزمره:

از آن جا که در اسلام معیار برتری و فضیلت تنها تقوا تعیین شده است، پس شایسته است که ما از هرکس قدردانی کنیم و با دیده احترام به آنان بنگریم؛ و در میان آنان، کسانی که بیشتر مستحق کمک و همکاری هستند، معیوبین، معذورین و ضعفاء اند.

دین مبارک اسلام به ما هدایت می کند که با معیوبین، معذورین و ضعیفان کمک و همکاری کنیم.

الله جل جلاله فرموده است: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) (۲۳).

ترجمه: و یکدیگر را در کار نیک و تقوا (پرهیزگاری) کمک کنید.

پس بر ما لازم است که در زندگی روزمره با معیوبین، معذورین و ضعفاء کمک و همکاری کنیم. اگر بخواهند از سرک عبور کنند، دست شان را بگیریم و آنان را از سرک عبور دهیم؛ اگر به سوی محل خطر روان باشند، بر ما لازم است که آنان را از محل خطر نجات دهیم؛ اگر به کمک مالی ما نیاز داشته باشند، بدون سرزنش، به اندازه توان خود با آنان کمک و همکاری کنیم.

اگر آدرس از یادش رفته باشد، مسئولیت ایمانی ماست که راه را به او نشان دهیم. اگر در جایی مردم به نوبت ایستاده باشند، باید حق اولویت را به معیوبین، معذورین و ضعیفان بدهیم. در این زمینه اسلام برای ما رهنمودهای روشنی داده است.

۱۹ - مسند البزار (۳۵۰ / ۸). وقال المنذرى: رواه البزار بإسناد جيد. الترغيب والترهيب (۲ / ۲۴۸)

۲۰ - شرح مشکل الآثار - الطحاوی (۱۰ / ۲۱۹)

۲۱ - صحيح البخاري ت (۷ / ۳۷۵)

۲۲ - شرح صحيح البخاري - لابن بطال (۵ / ۹۰)

۲۳ - المائدة: (۲)

کمک و همکاری با معیوبین و معذورین، مسئولیت نظام اسلامی و هر مسلمان است و در تاریخ درخشان اسلام، خلفای اموی و خلفای عباسی در این زمینه خدمات قابل توجه انجام داده‌اند که امت‌های پسین به راه و روش آنان ادامه داده‌اند.

#### **الف: کمک و همکاری با معیوبین، معذورین، گمشدگان و ضعیفان در زمان خلافت اموی:**

خلفای اسلامی در مسیر رسول الله صلی الله علیه وسلم حرکت کردند و به رهنمودهای نبی علیه السلام جامه عملی پوشاندند و برای معیوبین و معذورین خدمات شایسته‌ای ارائه کردند. حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله به والیان خود چنین فرمانی صادر کرد: (أَنْ أَرْفَعُوا إِلَيَّ كُلَّ أَعْمَى فِي الدِّيَوَانِ أَوْ مُقْعَدٍ أَوْ مَنْ بِهِ فَالَجٌ أَوْ مَنْ بِهِ زِمَانَةٌ تَحُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِيَامِ إِلَى الصَّلَاةِ. فَرَفَعُوا إِلَيْهِ، وَأَمَرَ لِكُلِّ كَافٍ بِمَوْظِفٍ يَقُودُهُ وَيُرْعَاهُ، وَأَمَرَ لِكُلِّ اثْنَيْنِ مِنَ الزَّمَنِ - مِنْ ذَوِي الْاِحْتِيَاجَاتِ - بِخَادِمٍ يَخْدُمُهُ وَيُرْعَاهُ)<sup>(۲۴)</sup>.

ترجمه: فهرست تمام افراد نابینا، افراد ناتوان از راه رفتن، کسانی را که دچار فلج شده‌اند و یا به بیماری سخت و صعب‌العلاج مبتلا هستند و به سبب آن نمی‌توانند برای نماز جماعت حاضر شوند، نزد من بفرستید. پس والیان فهرست‌های معیوبین، معذورین و بیماران را برای او فرستادند. حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله دستور داد که برای هر انسان نابینا یک نفر مقرر شود تا او را در راه ببرد و خدمتش کند. همچنین برای افراد مبتلا به بیماری مزمن، معیوبین و معذورین، برای هر یک خدمتکاری مقرر کرد تا از آنان خدمت و مراقبت کند.

همچنین خلیفه ولید بن عبدالملک رحمه الله برای فقها، ضعیفان و فقیران از بیت‌المال معاش مقرر کرد و ضعیفان و معیوبین را از سوال کردن منع کرد و به آنان گفت: (لَا تَسْأَلُوا النَّاسَ) از مردم سؤال نکنید. و به این طریق آنان را از گدایی نجات داد. برای نابینایان و مبتلایان به جذام نیز از بیت‌المال معاش مقرر کرد و برای افراد ناتوان از راه رفتن و نابینا، برای هر یک خدمتکاری مقرر کرد تا از آنان خدمت و مراقبت کند<sup>[۲۵]</sup>.

همچنین برای نخستین بار، خلیفه ولید بن عبدالملک در سال ۸۸ هـ (برای معیوبین، معذورین و بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن، مؤسسه و شفاخانه خصوصی تأسیس کرد. در این شفاخانه، معیوبین، معذورین و بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن درمان می‌شدند و در این مؤسسه و شفاخانه، داکتران مجرب و خدمتکاران مقرر کرد و برای آنان معاش‌های ویژه تعیین نمود و برای معیوبین و معذورین نیز معاش‌های ماهانه مقرر کرد<sup>[۲۶]</sup>.

الحمد لله، امارت اسلامی افغانستان نیز در این زمینه خدمات بزرگی انجام داده است. معیوبین و معذورین، ورثه شهدا و گدایان را از سرک‌ها و کوچه‌ها جمع‌آوری کرد، آنان را در وزارت شهدا و معلولین ثبت نمود و برای آنان معاش‌های ماهانه تعیین کرد و آنان را از گدایی بازداشت. افزون بر معاش ماهانه، کمک‌های انسانی و همدردی دیگری نیز از سوی وزارت با آنان انجام می‌شود.

چنان‌که پیش از این گفتیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم به وضعیت ضعیفان و معیوبین توجه ویژه‌ای داشت. در یک حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسٍ أَنَّ امْرَأَةً كَانَتْ فِي عَقْلِهَا شَيْءٌ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً فَقَالَ « يَا أُمَّ فَلَانٍ انْظُرِي أَيَّ السُّكَّكِ شِئْتِ حَتَّى أَقْضِيَ لَكَ حَاجَتَكَ ». فَخَلَا مَعَهَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ حَتَّى فَرَغَتْ مِنْ حَاجَتِهَا<sup>[۲۷]</sup>.

ترجمه: از حضرت انس رضي الله عنه روایت است، او می‌گوید: زنی بود که مشکل عقلی داشت. گفت: ای رسول الله! من با شما کاری دارم.

<sup>۲۴</sup> - نبي الرحمة (ص: ۳۱۸)، مختصر تاريخ دمشق (ص: ۲۵۸۲)

<sup>۲۵</sup> - البداية والنهاية (۱/ ۱۶۴)، الدولة الأموية عوامل الإزدهار وتداعيات الإنهيار (۳/ ۸۹)

<sup>۲۶</sup> - نبي الرحمة (ص: ۳۱۹)

<sup>۲۷</sup> - صحيح مسلم (۷/ ۷۹)

نبی علیه السلام فرمود: ای مادر فلانی! بین هر کدام از کوچه‌ها را که می‌خواهی، تا من همراهت بیایم و حاجتت را برآورده کنم. راوی می‌گوید: پس نبی علیه السلام در بخشی از راه با او تنها شد و همراه او ماند تا زمانی که حاجتش را برآورده کرد. کمک و همکاری با معیوبین، معذورین و ضعیفان در زندگی روزمره صدقه است.

در یک حدیث شریف آمده است: قَالَ أَبُو ذَرٍّ: «عَلَى كُلِّ نَفْسٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ صَدَقَةٌ مِنْهُ عَلَى نَفْسِهِ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنْ أَيْنَ أَتَصَدَّقُ وَلَيْسَ لَنَا أَمْوَالٌ؟ قَالَ: «لَا مِنْ أَبْوَابِ الصَّدَقَةِ التَّكْبِيرِ، وَتُسَبِّحَانَ اللَّهَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَتَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَعَزُّلُ الشُّوْكَةَ عَنْ طَرِيقِ النَّاسِ وَالْعِظَمَ وَالْحَجَرَ، وَتَهْدِي الْأَعْمَى، وَتُسْمِعُ الْأَصَمَّ وَالْأَبْكَمَ حَتَّى يَفْقَهُ، وَتَدُلُّ الْمُسْتَدِلَّ عَلَى حَاجَةٍ لَهُ قَدْ عَلِمْتَ مَكَانَهَا، وَتَسْعَى بِشِدَّةٍ سَاقِيكَ إِلَى اللَّهْفَانِ الْمُسْتَعِيثِ، وَتَرْفَعُ بِشِدَّةٍ ذِرَاعِيكَ مَعَ الضَّعِيفِ.» [٢٨]

ترجمه: حضرت ابوذر رضي الله عنه می‌گوید: بر هر نفس در هر روزی که خورشید در آن طلوع می‌کند، صدقه‌ای بر عهده خودش است. ابوذر رضي الله عنه می‌گوید: گفتم: یا رسول الله! از کجا صدقه بدهیم، در حالی که مال نداریم؟ نبی علیه السلام فرمود: از جمله راه‌های صدقه، گفتن «الله اکبر» است، گفتن «سبحان الله» است، گفتن «الحمد لله» است، گفتن «لا إله إلا الله» است، گفتن «أستغفر الله» است، و به نیکی امر کن و از بدی منع کن، و خار از راه مردم بردار و همچنین استخوان و سنگ را، به شخص نابینا راه را نشان بده، بشنوان اشخاص ناشنوا و گنگ را تا بفهمند، و این هم صدقه است که تو نشان بدهی برای حاجتمند حاجت اورا، آن حاجتی که به تو معلوم است، و به قدم‌های خود به طرف آن حاجتمندی که خواهان کمک می‌باشد بشتاب. و این هم صدقه است که تو بلند کنی بازوی خود را جهت کمک به شخص ضعیف.

در یک حدیث شریف دیگر آمده است: عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «إِيمَانُ بِاللَّهِ، وَجِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ»، قُلْتُ: فَأَيُّ الرِّقَابِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «أَعْلَاهَا ثَمَنًا، وَأَنْفُسُهَا عِنْدَ أَهْلِهَا»، قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ؟ قَالَ: «تُعِينُ ضَايِعًا، أَوْ تَصْنَعُ لِأَخْرَقٍ» [٢٩].

ترجمه: از حضرت ابوذر رضي الله عنه روایت است، او می‌گوید: از رسول الله صلى الله عليه وسلم پرسیدم: کدام عمل بهتر است؟ نبی علیه السلام به من فرمود: ایمان به الله تعالی و جهاد در راه او. سپس از ایشان پرسیدم: آزاد کردن کدام برده بهتر است؟ نبی علیه السلام به من فرمود: آن برده‌ای که قیمتش بیشتر باشد و نزد صاحبانش گرامی‌تر و عزیزتر باشد. سپس گفتم: اگر این کار را انجام ندهم؟ نبی علیه السلام به من فرمود: پس به شخص گم‌شده کمک کن، یا جور کن (کار) از برای شخص نادان و ضعیف.

در حدیث شریف درباره کسی که انسان نابینا را از راه درست منحرف کند، وعید سختی آمده است: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ كَمَّهُ أَعْمَى عَنِ السَّبِيلِ» [٣٠].

ترجمه: الله تعالی کسی را لعنت می‌کند که انسان نابینا را از راه درست منحرف کند.

برآوردن حاجت ضعیفان، اجر و پاداشی همانند اجر مجاهد در راه الله تعالی را دارد. در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارِ» [٣١]

٢٨ - سند أحمد مخرجا (٣٨٣/٣٥)، صحيح ابن حبان - محققا (١٧١/٨)

٢٩ - صحيح البخاري (١٤٤/٣)

٣٠ - مسند أحمد مخرجا (٨٣/٥)، الأدب المفرد للبخاري مخرجا (ص: ٣٠٧)

٣١ - صحيح البخاري ت (٣٨٥/١٣)

ترجمه: کسی که برای برآوردن نیاز بیوه‌زن و مسکین تلاش می‌کند، مانند مجاهد در راه الله تعالی است و مانند کسی است که شب را به قیام می‌گذراند و روز را روزه می‌گیرد.

همچنان در اسلام، خطاب کردن شخص معیوب و معذور با الفاظ زشت و ناپسند جواز ندارد و اسلام برای معیوبین، معذورین و ضعیفان ارزش و احترام زیادی قائل شده است؛ حتی کامیابی ما و فراخی رزق ما را به دعای ضعیفان و فقیران مرتبط دانسته است. چنان که در حدیث شریف آمده است: هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضَعْفَائِكُمْ (۳۲).

ترجمه: درجهاد نصرت کرده نمی‌شوید و روزی به شما داده نمی‌شود، مگر به برکت ضعیفانتان؟ اگر از یک‌سو لازم است که ما با معیوبین، معذورین و ضعیفان از هر جهت کمک و همکاری شود، از سوی دیگر، دین مقدس اسلام سرزنش کردن و استعمال القاب زشت برای آنان را حرام کرده است مانند: اینکه به طور تمسخر او را کور، لنگ، شل، و غیره خطاب کردن.

الله تعالی از استعمال لقب‌های زشت و ناپسند میان یکدیگر منع کرده و فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ [۳۳]. در زمان جاهلیت و در جهان اروپایی، مردم یکدیگر را مسخره و به شوخی‌های ناپسند می‌گرفتند و از لقب‌های زشت برای یکدیگر استفاده می‌کردند؛ به خصوص معیوبین و معذورین را بدبخت خطاب می‌کردند و آنان را تحقیر می‌نمودند و به آنان می‌گفتند: شما سزاوار این هستید؛ زیرا نابینا شده‌اید یا پایتان لنگ شده است. نبی علیه السلام به شدت از این کار منع کرده و فرمود: الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَعَمَطُ النَّاسِ [۳۴].

ترجمه: تکبر، رد کردن حق و تحقیر کردن مردم است.

در حدیث شریف دیگری فرمود: لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيَبْتَئِلِكَ [۳۵].

ترجمه: در برابر حالت بد برادرت، خوشحالی و شادی خود را اظهار مکن؛ زیرا ممکن است الله تعالی بر او رحم کند و آن حالت بد را از او دور سازد و تو را به آن مبتلا کند.

---

اقول قولي هذا، استغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

---

۳۲ - صحيح البخاري ت (۳۷۵ / ۷)

۳۳ - الحجرات: (۱۱)

۳۴ - صحيح مسلم (۶۵ / ۱)

۳۵ - سنن الترمذي ت شاکر (۶۶۲ / ۴)